



سیاست‌گذاری‌های ناکارآمد در حوزه مسجد و مدرسه؛ تأملی بر شکاف میان کارکردهای تربیتی دو نهاد

این مقاله به بررسی سیاست‌گذاری‌های تربیتی نهادهای مسجد و مدرسه در ایران پس از انقلاب اسلامی می‌پردازد و نشان می‌دهد که با وجود چالش‌ها، فرصت‌هایی برای بهبود همکاری و هم‌افزایی میان این دو نهاد وجود دارد. یافته‌ها حاکی از آن است که با ایجاد یک نقشه جامع و یکپارچه، می‌توان به تقویت هر دو نهاد و ارتقای کارکردهای تربیتی آن‌ها کمک کرد و شکاف‌های موجود را کاهش داد. این مقاله در وبگاه پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در مهر ۱۴۰۳ منتشر شده است.

هدف پژوهش پیش‌رو، تأملی بر سیاست‌گذاری‌های ناکارآمد حوزه کارکردهای تربیتی دو نهاد مسجد و مدرسه در ایران پس از انقلاب اسلامی است. برای دستیابی به این هدف، داده‌های پژوهش به روش اسنادی جمع‌آوری شده و مورد تحلیل محتوای کیفی قرار گرفته‌اند. جامعه آماری پژوهش شامل برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اول تا هفتم پس از انقلاب و نقشه مهندسی فرهنگی کشور به‌عنوان اسناد عمومی و قوانین و اسناد بالادستی هر یک از دو نهاد مسجد و مدرسه به‌عنوان اسناد اختصاصی می‌شود. این داده‌ها به روش تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که برنامه‌های توسعه، قوانین و اسناد بالادستی اختصاصی این دو نهاد پس از انقلاب اسلامی ایران، از نقشه جامعی برای تربیت که کارکردهای تربیتی کلیه بازیگران رسمی و غیررسمی را موردنظر قرار داده باشد و از تمامیت‌خواهی و بخشی‌نگری هر نهاد جلوگیری نماید، برخوردار نیستند. در نتیجه، برخی از سیاست‌ها منجر به تقویت یک‌جانبه یکی از دو نهاد مسجد و مدرسه و به تبع آن تضعیف دیگری می‌شود. همچنین با توجه به عدم التفات کافی به کارکردهای هر دو نهاد در کنار یکدیگر در ایفای نقش، تلاش‌های صورت گرفته به‌منظور اتحاد می‌آید این دو نهاد، به شکست انجامیده و روزه‌روز بر عمق شکاف میان آن‌ها افزوده شده است.